



رقابت هند و پاکستان در افغانستان

زاچاری کنستانتینو

ترجمه: محمد شفق خواتی^۱

چکیده

هند و پاکستان متقابلاً اهداف منحصر به فردی را در افغانستان تعقیب می‌کنند و برای رسیدن به اهداف خود، از ابزارهای کاملاً متفاوتی بهره می‌گیرند. پاکستان از گروه‌های شبه‌نظامی، از جمله طالبان افغان، به عنوان نمایندگان استراتژیک خود بهره می‌گیرد؛ در حالی که هند برای گسترش قدرت نرم خود در افغانستان وزن بیش‌تری قائل است. هند و پاکستان به اهداف و توانایی‌های یکدیگر از دریچه بدبینی و خصومت می‌نگرند. هرچند پاکستان در مورد فعالیت‌های هند در افغانستان دچار سوءبرداشت است و در مورد آن اغراق می‌کند. پاکستان یک بازیگر منطقه‌ای با بیش‌ترین نفوذ در افغانستان است. هرچند به دلیل حمایت از شورشیان مقاوم در برابر طالبان، رابطه پاکستان و طالبان پرتنش است. هند معتقد است حمایت از نظام موجود افغانستان به بهترین وجهی منافع آن را تأمین می‌کند و این سیاست را به دلیل عدم وجود جایگزین ممکن دیگری، اتخاذ کرده است. دهلی نو بعید است که به قدرت نظامی لازم برای تولید شرایط مطلوب برای کابل دست یابد، چه رسد به این‌که آن را گسترش دهد. پاکستان ممکن است تصمیم بگیرد هند را در افغانستان به خاطر راه‌اندازی منازعه در کشمیر، مجازات کند. اگر ایالات متحده تصمیم بگیرد که به طور ناگهانی و بدون اقدام به برقراری صلح جامع بین‌الافغانی از افغانستان خارج شود، محرک‌ها برای اسلام‌آباد به منظور تقویت جنگ نیابتی علیه حضور هند در افغانستان به شدت افزایش خواهد یافت. اقدامات اعتمادسازی حول شفافیت و همکاری اقتصادی برای بهبود روابط هند و پاکستان، محتمل نیست. با وجود این، یک فیصله جامع افغانی حداقل سبب کاهش چشم‌انداز خشونت بین هند و پاکستان در افغانستان می‌شود؛ هرچند اعمال خشونت نیابتی پاکستان علیه هندوستان تداوم خواهد یافت.

کلیدواژه‌ها: هند، پاکستان، افغانستان، منازعه کشمیر، ایالات متحده، جنگ نیابتی، طالبان، گفت‌وگوهای صلح.

۱. استاد دانشگاه و دکترای علوم سیاسی (khavati2@gmail.com)

۱. مثلث مرگبار

افغانستان مدت‌ها است که کانون رقابت قدرت‌های بزرگ و رقبای منطقه‌ای بوده است. کودتاهای مورد حمایت خارجی، خشونت نیابتی و مسلح کردن گروه‌های مشتری [جنگ]، در مجموع خسارات سنگینی بر ثبات و فرایند دولت‌سازی در افغانستان تحمیل کرده است. مهم‌ترین رقابت در این میان، رقابت بین هند و پاکستان است. خصومت بین هند و پاکستان مدت‌ها پیش از منازعه افغانستان شکل گرفته است و ریشه در دیدگاه‌های متضاد در مورد ملیت (ناشی از مجادله مداوم و حل‌نشده بر سر کشمیر) دارد که در پایان حاکمیت انگلستان بر جنوب آسیا ظاهر شد. افغانستان به زودی گرفتار این رقابت منطقه‌ای شد و پاکستان با بدگمانی، روابط هند و افغانستان را تهدیدی برای تمامیت ارضی و یکپارچگی قومی خود تلقی کرد. «ویلیام دالریمل» (مؤرخ)، تحرکات موجود در افغانستان، پاکستان و هند را به صورت خلاصه چنین توصیف می‌کند: «سه کشور در یک مثلث مرگبار بی‌اعتمادی و رقابت متقابل گرفتار شده‌اند.» (Dalrymple, 2013).

این مثلث مرگبار در مورد موفقیت تلاش‌های دیپلماتیک ایالات متحده برای ایجاد توافق موقت با طالبان افغان، کاهش خشونت و از سرگیری مذاکرات میان افغان‌ها به منظور پایان دادن به جنگ طولانی افغانستان، نگرانی ایجاد می‌کند. بعد خارجی این جنگ به اندازه محرک‌های داخلی آن تعیین‌کننده است؛ به اندازه‌ای که مداخلات بیرونی از سوی همسایگان افغانستان می‌تواند چشم‌انداز صلح جامع را از بین ببرد. با تحولات اخیر در منطقه مورد مناقشه کشمیر، که بخش‌های مختلف آن توسط هند یا پاکستان اداره می‌شود، وضعیت بیش‌تر پیچیده شده است. این امر می‌تواند به معنای یک بحران موازی تلقی شود و ممکن است به طور فزاینده‌ای با منازعه در افغانستان تقارن یابد.

برای بررسی برجسته‌ترین محرک‌های بنیادین رقابت هند و پاکستان در افغانستان، در این گزارش بر موارد ذیل تأکید خواهد شد: منافع، ترس و استراتژی‌های دهلی نو و اسلام‌آباد در چارچوب جنگ افغانستان. تأثیر تروریسم و خشونت نیابتی بر ادراک و سیاست ترجیحات در کشورهای رقیب، یک موضوع بنیادی است. این مسایل نه تنها منبع تداوم خصومت بین هند و پاکستان است؛ بلکه عامل نگرانی جدی برای سیاست‌گذاران امریکایی نیز به‌شمار می‌رود. ایالات متحده هم‌چنان که مذاکرات با طالبان را دنبال می‌کند و در مورد آینده حضور نظامی خود در افغانستان توجه دارد، گزینه‌های واشنگتن بر منازعه طولانی بین هند و پاکستان تأثیر خواهد گذاشت.

۲. هند در افغانستان

اهداف هند در افغانستان سه بعدی است: حمایت از یک نظم دموکراتیک پایدار، ضربه‌زدن به نفوذ پاکستان و جلوگیری از استفاده گروه‌های مسلح مورد حمایت اسلام‌آباد از افغانستان به عنوان یک



بستر برای تروریسم که بتواند منافع هند را تهدید کند. دهلی نو این اهداف را به هم پیوسته می‌داند. رهبران هند، یک دولت مستقل و متکثر را در افغانستان یک متحد طبیعی و قابل اعتماد خویش و سنگری در برابر ستیزه‌جویی می‌دانند. مقامات هندی تمام تلاش خود را خواهند کرد تا بر ضرورت حفظ نظام مبتنی بر قانون اساسی افغانستان تأکید کنند و آن را لازمه تحقق اهداف سیاسی و امنیتی هند می‌دانند. در نوامبر ۲۰۱۹، «هارد ودهان شرینگلا»، سفیر دهلی نو در ایالات متحده، اظهار داشت: «دموکراسی و نظم قانون اساسی در افغانستان دستاوردهای بزرگی است که در هجده سال گذشته به دست آمده است و ما معتقدیم که این دستاوردها ارزش آن را دارند تا مورد حفاظت قرار گیرند.» (Shringla, 2019).

ابزارهای قدرت نرم پایه اصلی نفوذ هند در افغانستان است. دهلی نو از زمان سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، سه میلیارد دالر به افغانستان کمک اقتصادی کرده است که در چندین بخش در عرصه زیرساخت‌ها و توسعه منابع انسانی به مصرف رسیده است. در میان مهم‌ترین پروژه‌های هند، ساخت بند دوستی افغانستان و هند (بند سلما) در ولایت غربی هرات، ساختمان شورای ملی در کابل و توسعه دهلیزهای تجاری قرار دارد که پاکستان را دور می‌زنند (Smith, 2016; The Hindu, 2015; Panda, 2017; Pasricha, 2017). قدرت نرم هند هم‌چنین به حمایت از ابتکارات افغانستان در زمینه‌های صحت، زراعت، آموزش، مدیریت آب، مسکن، ورزش و جهانگردی در حال گسترش است. دهلی نو کارمندان دولت، سربازان و پرسنل اجرای قانون افغانستان را آموزش می‌دهد و سالیانه به یک هزار افغان بورس تحصیلی ارائه می‌کند.^۱ اگرچه هند تا حدودی به خاطر جلوگیری از تحریک پاکستان، هیچ نیروی نظامی به افغانستان اعزام نکرده است؛ اما ارتش افغانستان با گروه کوچک و تعداد کمی از هلیکوپترهای تهاجمی به صورت نمادین تقویت کرده است (Bedi, 2019). توافق‌نامه همکاری استراتژیک ۲۰۱۱ بین هند و افغانستان، دهلی نو را بیش‌تر متعهد می‌سازد تا «طبق تصمیمات متقابل، در برنامه‌های آموزشی، تجهیز و ظرفیت‌سازی برای نیروهای امنیت ملی افغانستان همکاری کند.»^۲

هند به طور سنتی، به شبکه‌ای متشکل از رهبران عمدتاً غیر پشتون وابسته بوده است و برای حفظ نفوذ سیاسی خود در زمان ریاست جمهوری حامد کرزی (۲۰۰۴-۲۰۱۴)، تلاش کرده است با تمرکز طرح‌های توسعه در مقیاس کوچک در مناطق عمدتاً پشتون‌نشین، نفوذش را در میان پشتون‌ها

۱. شورای روابط فرهنگی هند سالیانه از طریق دانشگاه‌های این کشور، یک هزار بورسیه تحصیلی در مقاطع لیسانس، ماستری و دکتری، برای اتباع افغانستان ارائه می‌دهد (Pant, 2016: 122).

۲. متن موافقت‌نامه مشارکت استراتژیک میان جمهوری هند و جمهوری اسلامی افغانستان.



گسترش دهد (Paliwal, 2017/2: 194). عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی [پیشین] افغانستان و وزیر امور خارجه سابق، به لحاظ تباری مخلوطی از پشتون و تاجیک، با اشرف غنی، یک پشتون، به دنبال انتخابات جنجالی و مناقشه برانگیز ریاست جمهوری در سپتامبر ۲۰۱۹، وارد یک جدال سیاسی شد. برای دهلی نو، هردو نامزد به عنوان رئیس جمهور قابل پذیرش بود. اما گفته می شود که عبدالله به هند نزدیک تر است. تجربه او از هند، جایی که خانواده اش در آن زندگی می کند، به اواخر دهه ۱۹۹۰ برمی گردد؛ زمانی که او به عنوان رابط بین دهلی نو و گروه مقاومت افغانی مخالف با سلطه طالبان فعالیت می کرد (Paliwal, 2017/2: 120). هند فراتر از سطح نخبگان، در میان افغان های عادی نیز از محبوبیت برخوردار است. یک نظرسنجی که در سال ۲۰۱۶ توسط «بی. بی. سی. جی گلاپ» انجام شده است، نشان می دهد که نزدیک به ۶۲ درصد از مردم افغانستان نسبت به هند نظر مساعدی دارند. بر اساس همین نظرسنجی، تنها ۳/۷ درصد از پاسخ دهندگان دیدگاه مطلوبی نسبت به پاکستان دارند؛ حتی کم تر از مطلوبیت امارت اسلامی (۵/۸ درصد) (Ahmadyarand (Osmanzoi, 2016). این اعداد با توجه به تفاوت عمیق فرهنگی بین افغانستان و هند، شگفت انگیز نیستند.

۳. نگرانی های هند از ناحیه تروریسم

در مورد ژرفای مخالفت هند با ستیزه جویی مستقر در افغانستان که با تأیید پاکستان انجام می شود و تعهد هند برای تقویت کابل به عنوان یک شریک ضد تروریسم، دشوار است که بتوانیم اغراق کنیم. در دوران حاکمیت طالبان (۱۹۹۶-۲۰۰۱)، روابط هند و افغانستان در پایین ترین سطح خود قرار داشت. قبل از روی کار آمدن طالبان، هند روابط منطقی و مناسبی با رژیم های سلطنت طلب، جمهوری خواه و کمونیست افغانستان داشته است. بعد از تسلط طالبان بر کابل در سال ۱۹۹۶، دهلی نو به سرعت سفارت خود را تخلیه کرد و طالبان با پشتیبانی نظامی پاکستان، متحدان افغان هند را به عقب نشینی در یک موضع محصور دفاعی کوچک در شمال مجبور ساختند. ابوبکر صدیق، روزنامه نگار کهنه کار، می نویسد که «تشکیلات نظامی پاکستان ظهور طالبان را به عنوان یک سنگربندی در برابر هند در شرق تصور می کند.» (Siddique, 2014: 60): در دوره تسلط طالبان، افغانستان به محلی برای آموزش شبه نظامیانی تبدیل شده بود که تحت حمایت اسلام آباد در کشمیر تحت مدیریت هند جنگ چریکی انجام می دهند. در اواخر دهه ۱۹۹۰، مدیریت سازمان استخباراتی پاکستان (ISI)، بسیاری از نمایندگان خود در کشمیر را به شرق افغانستان منتقل کرد تا از فشار ایالات متحده بر پاکستان برای جلوگیری از نفوذ شبه نظامیان جلوگیری کند (Rashid, 2001: 186).



آخرین مذاکرات شناخته شده علنی بین طالبان و دهلی نو که در سال ۱۹۹۹ انجام شد، تا اکنون سایه ماندگاری بر تصورات هندی‌ها از این گروه بر جای گذاشته است. در آن زمان، ستیزه‌جویان وابسته به حرکت المجاهدین مستقر در پاکستان، یک هوایمیای تجاری هند را ربودند و سرانجام این هوایمیای را مجبور به فرود در ولایت قندهار افغانستان کردند.^۱ حکومت طالبان میانجی‌گری کرد تا گروگان‌های هندی با رهایی مسعود ازهر، یک رهبر تندرو، مبادله شود؛ معامله‌ای که تا امروز هند را آزار می‌دهد. اندکی پس از آزادی، ازهر به تأسیس جیش محمد پرداخت؛ گروهی که در دسامبر ۲۰۰۱ به ساختمان پارلمان هند حمله کرد (Ganguly, 2016: 110-111). در سال ۲۰۱۶، جیش محمد، حمله بزرگی را به یک پایگاه هوایی هند انجام داد، و در فوریه ۲۰۱۹ مسئولیت بدترین عمل تروریستی انجام شده در کشمیر تحت کنترل هند در سه دهه را به عهده گرفت (Masood, 2016; Yasir and Abi-Habib, 2019). بعدها سازمان ملل ازهر را به جرم حمایت از تروریسم تحریم کرد؛ اما او هنوز هم چنان در پاکستان زندگی فوق‌العاده دارد و احتمالاً توسط کارگزاران امنیتی پاکستان حفاظت می‌شود (Azhar, 2019; Siddiq, 2019). جیش محمد نقش جزئی در جنگ طالبان علیه دولت کابل دارد و پس از حمایت پاکستان از حمله آمریکا به افغانستان، این گروه به زودی در سال ۲۰۰۱ منشعب شد. ارتباط طولانی مدت و رابطه خویشاوندی ایدئولوژیک میان جیش محمد و طالبان، هم چنان تا اکنون به عنوان یک نگرانی مهم برای هند باقی مانده است. سال‌ها پس از مبادله گروگان‌ها، «آجیت دووال»، یکی از مذاکره‌کنندگان هندی، که اکنون مشاور امنیت ملی هند است، ابراز تأسف می‌کند و می‌گوید نباید کسی این معامله را انجام می‌داد و حداقل مسعود ازهر نباید مبادله می‌شد.» (Indo-Asian News Service, 2006).

علاوه بر این، هند از حضور یک گروه تروریستی ضد هندی دیگر در منازعه افغانستان، لشکر طیبه، نگران است. لشکر طیبه یک نماینده وفادار از ارتش پاکستان با انسجام بیش‌تر و کشته‌تر از جیش محمد، در کارزار جنگ افغانستان علیه شوروی ایجاد شد. در سال ۲۰۰۸ این گروه حملات متعددی را در پایتخت مالی هند، در بمبئی، انجام داده است که منجر به کشته شدن ۱۶۶ نفر، از جمله شش امریکایی شد. در افغانستان، لشکر طیبه به مراکز دیپلماتیک هند، کارمندان دولت و امدادرسان‌ها حمله کرده است (Rubin, 2010). لشکر طیبه با مهارت و از طریق جنگجویان خود، توانایی‌های طالبان را افزایش می‌دهد. با وجود این، این گروه به گفته «ترشیا باکن»، تحلیلگر سابق

۱. هوایمیای متعلق به خطوط هوایی هند با شماره پرواز IC-814 بود که از کاتماندو در نیپال، عازم دهلی نو بود. هوایماریان در ابتدا هوایمیای را به آمریتسار در هند و سپس در لاهور پاکستان، بردند. بعداً چندین مسافر را در دویبی رها کردند. بعد از دویبی، هوایماریان، هوایمیای را به قندهار، محل تولد جنبش طالبان، بردند. این نکته مشخص نیست که آیا پاکستان هوایماریان را حمایت و تشویق کرده بود یا خیر.



اطلاعاتی، مسئولیت خشونت‌هایی را که در افغانستان انجام می‌دهد، به عهده نمی‌گیرد تا از تحریک فشارهای بین‌المللی بر اسلام‌آباد جلوگیری کند (Bacon, 2019: 37-38). «استیون تانکل»، دیگر متخصص تروریسم، می‌نویسد که علاوه بر مقابله با منافع هند، نفوذ لشکر طیبه در افغانستان، آی‌اس‌آی را قادر می‌سازد تا اطلاعات مربوط به کشورهای درگیر بازی نظامی در آن سوی مرز را جمع‌آوری کند (Tankel, 2018). مقام‌های امنیتی هند تخمین می‌زنند که صدها نفر از شبه‌نظامیان لشکر طیبه در افغانستان در حال جنگ هستند (Subramanian, 2019).

۴. رویکرد هند به مذاکرات

هند از زمان روی کار آمدن اشرف غنی به قدرت به عنوان رئیس‌جمهور افغانستان در سال ۲۰۱۴، ناظر حوادث بوده است. غنی در طول سال اول ریاست جمهوری‌اش، در سیاست خارجی خود به نفع پاکستان تمایل نشان داد؛ قماری که به منظور بهبود روابط با اسلام‌آباد بازی شد تا برای پاکستان این انگیزه را فراهم سازد که طالبان را برای پیوستن به گفت‌وگوهای صلح با دولت افغانستان تحت فشار قرار دهد. وقتی غنی خواستار امضای تفاهم‌نامه همکاری بین سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان و افغانستان شد، در حالی که ایفای نقش پررنگ‌تری از سوی پاکستان و چین را در گفت‌وگوهای صلح افغانستان تقاضا کرد، هند ناامید شد.^۱ ارتباط غنی با پاکستان بسیار جنجالی و اولین پیامد آن، استعفای اعتراض‌آمیز رئیس امنیت ملی افغانستان بود (The Guardian, 2015). غنی بعدها به دنبال تجدید حیات روابط خود با دهلی نوبرآمد و این روابط را احیا کرد و پس از درک عدم تمایل آشکار اسلام‌آباد به مهار خشونت طالبان در بهشت ستیزه‌جویان در خاک پاکستان، به تقویت روابط افغانستان و هند از طریق یک سری بازدیدهای سطح بالا روی آورد.^۲ چرخش قابل توجه غنی از پاکستان به سوی هند، به هند اطمینان خاطر بخشید. با این حال، غنی هرگز آن سطح از اعتماد را که هند به سلف وی حامد کرزی داشت، کسب نکرده است. کرزی اغلب از زمان دانش‌جویی خود در هند، دریافت درجه تحصیلی از آن‌جا و نوستالژی خود صحبت می‌کرد (Paliwal, 2019; Sherard Cowper-Coles, 2011: 73).

آغاز مذاکرات ایالات متحده و طالبان در سال ۲۰۱۸ و نادیده‌گرفتن مطالبات پیشین مبنی بر این‌که گفت‌وگوهای واقعی از آغاز باید شامل دولت افغانستان نیز باشد، به طور قابل توجهی هند

۱. در ماه می ۲۰۱۵، بجینگ زمینه گفت‌وگو میان طالبان و مقامات حکومتی افغان را در ارومقی چین تسهیل کردند. بعداً در جولای ۲۰۱۵، اسلام‌آباد نمایندگان ایالات متحده، چین، حکومت افغانستان و طالبان را در موردی پاکستان برای نشست چهارجانبه گرد هم آورد. پروسه موری پس از آن که فاش شد ملا محمد عمر، رهبر و بنیان‌گذار تحریک طالبان، در سال ۲۰۱۳ فوت کرده است، متوقف شد (ToloNews, ۲۰۱۵).
۲. نخست‌وزیر هندوستان، نارندرا مودی، دوباره به افغانستان سفر کرده است (جون ۲۰۱۶ و دسامبر ۲۰۱۵). رئیس‌جمهور افغانستان، اشرف غنی، چهار دیدار جداگانه از هند داشته است (سپتامبر ۲۰۱۸، اکتبر ۲۰۱۷، دسامبر ۲۰۱۶ و اپریل ۲۰۱۵). در دسامبر ۲۰۱۹، مودی دوباره از غنی برای دیدار از هند دعوت کرد.



را ناآرام ساخته است. از نظر دهلی نو، تغییر سیاست، طالبان را با هزینه کابل مشروعیت بخشید، به پاکستان قدرت داد و نزدیک به دو دهه سرمایه‌گذاری مداوم در افغانستان را به خطر انداخت. در ژوئن ۲۰۱۹، نماینده دایمی هند در سازمان ملل متحد در برابر جدول زمانی ایالات متحده که ممکن است با نیازهای مردم افغانستان سازگار نباشد، هشدار داد و در یک تهاجم ضمنی به پاکستان، از ضرورت مبارزه با پناه‌گاه‌های امن ستیزه‌جویان سخن گفت (Syed Akbaruddin, 2019). پس از آن که ایالات متحده به صورت موقت مذاکرات خود را با طالبان در سپتامبر ۲۰۱۹ متوقف کرد، سفیر پیشین هند در افغانستان که در هیأت مشورتی امنیت ملی دهلی نو حضور دارد، با صراحت اظهار داشت که «افغانستان لحظه‌ای از پرتاب شدن در زیر یک اتوبوس نجات یافته است.» (Haidarand (Bhattacharjee, 2019). مقام‌های هندی هم‌چنان در مورد پاکستان و تروریسم پس از سرگیری مذاکرات ایالات متحده و طالبان ابراز نگرانی می‌کنند (Kumar, 2019).

به همین جهت، بر اساس گفته‌های یک پژوهش‌گر، «آویناش پالیوال»، هند حداقل از سال ۲۰۰۸ به بعد، کانال‌های محرمانه‌ای را برای ارتباط با طالبان ایجاد کرده است (Paliwal, 2017/2: 228). آزادسازی مهندسین هندی که در ماه اکتبر ۲۰۱۹ توسط طالبان به اسارت درآمده بودند، نشان می‌دهد که تلاش‌های مخفیانه حداقل برای رفع نیازهای تاکتیکی کوتاه‌مدت ادامه دارد. (BBC, 2019). رویکرد لجوجانه و در عین حال عمل‌گرایانه نسبت به طالبان نیز در میان برخی از عناصر بوروکراسی هند وجود دارد که متمایل به مبارزه هرچند پرچالش بر ضد توافق است (Paliwal, 2017/2: 213-247). روسیه و ایران، نزدیک‌ترین متحدان منطقه‌ای هند، قبلاً رویه‌ای را ایجاد کرده‌اند که ممکن است دهلی نو نیز آن رویه را دنبال کند. مسکو و تهران به صورت علنی با نمایندگان طالبان در ارتباط هستند و این به معنای تأیید ضمنی این نکته از جانب هر دو قدرت است که گویا طالبان هنوز در منازعه افغانستان دست بالا دارند (Al Jazeera, 2019; The Guardian, 2019).

با وجود این، احتمال دلگرم شدن هند به یک فیصله محدود که به نفع طالبان باشد، بسیار ناچیز است. هند، طالبان را با گروه‌های تروریستی ضد هند بسیار هم‌سو می‌داند و پایبندی طالبان را به تعهدات متداول و در عین حال مبهم برای جلوگیری از «آسیب رساندن کسی به دیگران از خاک افغانستان» بعید می‌شمارد (Mashal, 2019). در عوض، دهلی نو ترجیح می‌دهد که طالبان به عنوان یک جریان اصلی سیاسی که به طور مؤثر توسط سایر جناح‌های سیاسی افغانستان محدود شده است، به نظام کنونی افغانستان پیوندند (Malik, 2019). از دیدگاه طالبان، این گروه تمایل خود را برای روابط خوب با تمامی همسایگان افغانستان، از جمله هند، ابراز کرده است؛ در حالی که به



طور خاص از حمایت دهلی نو از کابل نیز انتقاد می‌کند (Yusufzai, 2010; spokesman of Is-lamic Emirate 2016). جالب است که یکی از مذاکره‌کنندگان ارشد طالبان، در دهه ۱۹۷۰ در هند آموزش نظامی دیده است (Mashal, 2019). تصور یک سناریو که طالبان در صورت قدرت‌گرفتن مجدد از کمک و تخصص هند استقبال کنند، دور از ذهن نیست؛ اما هنوز چنین استنتاجی بعید به نظر می‌رسد. اسلام‌آباد به سرعت از هرگونه تجدید روابط طالبان و هند جلوگیری خواهد کرد و بعید به نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران هندی نیز احتیاط عمیق خود را در مورد ارتباط طالبان با گروه‌های تروریستی و پاکستان کنار بگذارد.

روشن‌نبودن رویکرد واشنگتن در مورد آینده حضور نظامی اش در افغانستان، سبب افزایش نگرانی‌های هند در مورد تروریسم و ثبات افغانستان می‌شود. ایالات متحده در حال کاهش میزان نیروهای خود است و احتمال کاهش بیش‌تر این نیروها در سال ۲۰۲۰ وجود دارد. بر اساس دیدگاه پالیوال، سیاست هند در افغانستان مدت‌ها است با این فرض اجرا می‌شود که «یک قدرت و دوست دیگری در تأمین امنیت [افغانستان] انجام وظیفه می‌کند و این امر دهلی نو را قادر می‌سازد تا بر روی ابزارهای قدرت نرم تمرکز کند.» (Paliwal, 2017/1). آسان نبودن دسترسی هند به افغانستان و ظرفیت ناچیزش برای اعزام نیرو به خارج، عدم تمایل دهلی نو برای پذیرفتن نقش نظامی در جنگ افغانستان بیش‌تر تقویت می‌کند. در سپتامبر ۲۰۱۷، وزیر دفاع وقت هند سیاست دیرینه «بدون چکمه روی زمین» را در افغانستان به صورت کاملاً قاطع تأیید کرد (Gurung, 2017).

اگر ایالات متحده به طور ناگهانی و بدون یک توافق صلح جامع [از افغانستان] خارج شود، دهلی نو ممکن است در گزینه‌های نظامی خود تجدید نظر کند. عقب‌نشینی نیروهای امریکایی، از جمله نیروی مهم هوایی، اطلاعاتی و امکانات لجستیکی این کشور، زمینه را برای پیشروی گسترده طالبان فراهم می‌کند. با این حال، احتمال اعزام نیروهای هندی برای پر کردن خلأ ناشی از خروج نیروهای ایالات متحده کم است. ارتش هند نه قادر است که حمایت‌ها و بودجه ایالات متحده را که به واحدهای افغانستان ارائه می‌شود، تأمین کند و نه می‌تواند نیروهای خود را در یک منطقه جنگی خصمانه مانند افغانستان نگه دارد. اعزام سربازان هزینه‌های سنگینی را تحمیل می‌کند، و حفظ راه‌های اکمالات با وجود جنگجویان پاکستان که هند را از افغانستان جدا می‌کند، غیر ممکن است. به جای آن، هند می‌تواند برای حمله به تروریست‌های مستقر در افغانستان، به اقدامات هوایی و استفاده از موشک تکیه کند. با این حال، این اقدام به عنوان یک مأموریت مسلحانه در افغانستان ممکن است کارآیی نداشته باشد؛ زیرا هند احتمالاً از شبکه‌های اطلاعاتی با زمان حقیقی برای «تثبیت و به پایان رساندن» اهداف نظامی برخوردار نیست، و پاکستان مانع استفاده هند از حریم



هوایی خود خواهد شد (Mitra, 2017). در نهایت، دهلی نو برای تأمین منافع خود، به جز حمایت از نظام کنونی افغانستان، گزینه‌های در دسترس اندکی را در اختیار دارد.

۵. نگرانی‌های پاکستان

تاریخ منازعه پاکستان با افغانستان نمایانگر ترس عمده از محاصره است. اهداف اسلام‌آباد در افغانستان از دهه ۱۹۷۰ تا کنون کاملاً ثابت باقی مانده است و این اهداف مستلزم ایجاد توازن قوا در کابل است که بتواند موجب تأمین منافع اسلام‌آباد در عین کاهش نقش هند در افغانستان شود. تحلیل‌گران معمولاً از این سیاست به عنوان تلاش ارتش پاکستان برای «عمق استراتژیک» یاد می‌کنند. یک دیپلمات بازنشسته پاکستانی با تجربه گسترده در افغانستان مدعی است که ایده اصلی عمق استراتژیک به عنوان یک استراتژی نظامی در برابر هند در هنگام درگیری، به خصوص به دلیل غیرقابل اجرا بودن استفاده از افغانستان به عنوان یک سپر در برابر هند، از ابتدا غیر عملی بود و ایده منسوخ تلقی شد (Riaz Mohammad Khan, 2011: 54-55). فرماندهان گوناگون ارتش و رهبران ملکی پاکستان تلاش کرده‌اند که نمای بیرونی عمق استراتژیک خود را با زبان غیر گزنده ملایم سازند؛ به عنوان مثال: نشان دهند که تمایل شان تنها داشتن «روابط خوب» با افغانستان است یا این ادعا که عمق استراتژیک را کلاً در سیاست خود کنار گذاشته‌اند (BBC 2017; Mehmood, 2019). در عین حال، اگر به مبانی رویکرد پاکستان، صرف نظر از شعارها، عریان ببینیم، این اتفاق نظر وجود دارد که پاکستان قصد دارد یک ساختاری را در افغانستان توسعه دهد که بتواند هم نفوذ این کشور در افغانستان و هم خصومت با هند، هردو هدف را به حداکثر برساند. در این مورد، اسلام‌آباد چند واژه محدود را بیان می‌کند. در جنوری ۲۰۱۹، سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان با صراحت اعلام کرد که «هند نقشی در افغانستان ندارد.» (BBC, 2019).

در کانون محاسبات اسلام‌آباد این ترس دیرینه وجود دارد که هند در اتحاد با کابل، از افغانستان به عنوان سکوی پرشی برای تضعیف تمامیت ارضی پاکستان، به ویژه با برانگیختن ناآرامی‌ها در میان جمعیت قومی بلوچ و پشتون، استفاده می‌کند. ارزیابی صحت این ادعاها دشوار است؛ نخست به این دلیل که شواهد معتبری برای این ادعا وجود ندارد و منابع قابل اعتماد بسیار اندک است؛ افزون بر این، سازمان‌های استخباراتی هند و پاکستان هردو گرفتار تئوری توطئه هستند. با این حال، استنباط معقول هنوز قابل دست‌یابی است. به عنوان یک قیاس کلی، پاکستان در مورد توانایی‌ها و ظرفیت استخبارات خارجی هند، موسوم به شاخه تحقیق و تحلیل (RAW)، اغراق می‌کند. برخلاف پاکستان، که از زمان ظهور خود تا کنون جنگ‌های مخفی راه انداخته است، هیچ سنت قابل مقایسه‌ای در سیستم هند وجود ندارد. به استثنای پشتیبانی قابل توجه «RAW» از



شورشیان در پاکستان شرقی (بنگلادش کنونی) قبل از جنگ استقلال این کشور در سال ۱۹۷۱، هیچ دوره دیگری در تاریخ استخبارات هند وجود ندارد که نقش شبه‌نظامی بسیار تأثیرگذار داشته باشد (Shaffer, 2015). بخش مسئول انجام عملیات‌های تهاجمی علیه پاکستان در شاخه «(RAW)»، به منظور تلاش برای بهبود روابط دوجانبه و نیز به دلیل وخامت وضعیت کهنه‌سربازان آن در اثر تحمل طولانی مدت آسیب به توانایی‌های عملیات پنهان‌شان، در سال ۱۹۹۷ منحل شد: (Raman, 2007; Datta, 2009). «آجیت دووالپس» از چندین دهه فعالیت در این سازمان استخباراتی، با تأمل در مورد نارسایی‌های عملیات پنهان، در سال ۲۰۱۰ اذعان کرد که منطق اقدام پنهان «متأسفانه هندوستان را در حاشیه برد» و سبب افزایش شکست در «توسعه توانایی‌ها و یک واکنش مناسب ملی» شد (Doval, 2010).

روش دیگر برای ارزیابی این‌که آیا هند به اغتشاشات داخلی در پاکستان دامن می‌زند یا خیر، آن است که شورش‌های پرشمار در پاکستان را مورد ارزیابی قرار دهیم. خشونت‌های شورش‌یانی که پاکستان در مناطق بلوچ‌نشین و پشتون‌نشین با آن روبه‌رو است، بدون تردید نتیجه ده‌ها سال سرکوب این مناطق توسط دولت پاکستان است. پاکستان از زمان تأسیس خود با شورشیان در ایالت نآرام بلوچستان مبارزه کرده است.^۱ دولت‌های مختلف پاکستان برای سرکوب مخالفت‌ها به جای رسیدگی به نارضایتی‌های سیاسی و اقتصادی بلوچ‌ها که باعث ایجاد حس بیگانگی در آنان شده است، همواره تلاش کرده است که از زور بیش‌تر کار بگیرد. مطالعه واکنش پاکستان به یکی از شدیدترین شورش‌ها در بلوچستان در دهه ۱۹۷۰ نشان می‌دهد که شواهد قابل توجهی برای تأیید حمایت قاطع همسایگان پاکستان از شورشیان بلوچ وجود ندارد؛ زیرا موانع ساختاری که سبب ناتوانی افغانستان [در حمایت از شورشیان بلوچ] شده است، تشبیری نکرده است و هند نیز دسترسی جغرافیایی [به بلوچستان] ندارد (Butt, 2017: 75-76). حامد کرزی در زمان ریاست جمهوری خود، به طور موقت به یک فعال برجسته بلوچ پناه داد؛ اما هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که غنی این سیاست را حفظ کرده باشد (Coll, 2018: 428). در یک اقرار نادر، یک رئیس سابق ISI به یک رئیس سابق RAW می‌گوید «من همیشه احساس می‌کنم که ما همواره شاهد دخالت هند [در بلوچستان] هستیم.» و از پاکستانی‌های ناآگاه انتقاد می‌کند که نسبت به تعداد قنصلگری‌های هند در افغانستان مبالغه می‌کنند (Dulat, Durrani and Sinha, 2018: 195-196). حمایت از جدایی‌طلبان بلوچ نیز از نظر هند منطق استراتژیک زیادی ندارد؛ زیرا چنین فعالیت‌هایی دهلیز تجاری هند با افغانستان را تهدید می‌کند و به رابطه حیاتی آن با ایران که درگیر سرکوب شورشیان بلوچ در مناطق مرزی خود است، صدمه می‌رساند (Yadav, and Barwa, 2011: 93-125). معتبرترین توضیح در مورد همکاری هند

۱. پاکستان با شورشیان بلوچ در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۸، ۱۹۶۲، ۱۹۷۳ و ۲۰۰۴ جنگیده است.



با ناسیونالیست‌های بلوچ، با این فرض که عملیات در فضای پنهانی در حال انجام باشد، آن است که تلاش‌های هند در عملیات همکاری، میان فعالان شورشی سطح پایین محدود باشد. هند توانایی دسترسی به بلوچستان را ندارد، چه رسد به این که به تداوم عملیات در آنجا بپردازد؛ بنابراین، حداکثر اقدامات هند ممکن است شامل تماس‌های مخفیانه با شورشیان و نفوذ اندک میان آنان و احتمالاً فعالیت در میان گروه‌های حاشیه‌ای و افراد تبعیدی باشد.

پیدایش تحریک طالبان پاکستان (TTP)، گروهی که از سال ۲۰۰۷ علیه دولت پاکستان به جنگ پرداخته است، سنگین‌ترین واکنش فرسایشی علیه دولت به موازات تجربه بلوچ‌ها بوده است. تحریک طالبان پاکستان به عنوان واکنشی به یک سری عملیات تبهی ارتش و مدیریت ضعیف در اقدامات غیر تعرضی، در مناطق قبایلی محدود شد. مقاومت این گروه از توانایی شبکه‌های مختلف آن در بهره‌گیری از رگه‌خشم پشتون‌ها ناشی می‌شود (Tankel, 2018: 545-575). با وجود این، پاکستان در مورد آنچه که به عنوان محرکان خارجی تحریک طالبان قلمداد می‌کند، حمایت رسمی دولت مردان افغانستان را برجسته می‌سازد. در سال ۲۰۱۳، نیروهای امریکایی یک فرمانده ارشد تحریک طالبان پاکستان را که به طور مخفیانه با مأموران اطلاعاتی کابل همراه شده بود، بازداشت کردند (Rosenberg, 2013). علاوه بر این، تحریک طالبان پاکستان در مناطق مشخص شرقی افغانستان پناهگاه دارد؛ اگرچه این نکته که دسترسی به این پناهگاه‌ها نتیجه یک استراتژی هماهنگ دولت افغانستان است یا عمدتاً به عوامل محلی، از قبیل بیعت‌های قبیله‌ای برون مرزی و یا فساد معمول مربوط می‌شود، هم‌چنان جای بحث دارد.

این که شاخه تحقیق و تحلیل استخبارات هند (RAW) به دلیل رابطه دیرینه خود با همتای افغانش، بین کابل و تحریک طالبان پاکستان پیوند برقرار کند، ثابت شده نیست. به عنوان یک موضوع عملی، احتمال حمایت RAW از تحریک طالبان پاکستان، در بهترین حالت، سؤال برانگیز به نظر می‌رسد. ساختار بی‌نظم تحریک طالبان پاکستان که در مناطق بسیار ناپایدار این کشور پراکنده شده است، کاربرد آن را به عنوان یک وسیله قابل انعطاف علیه اسلام‌آباد با چالش مواجه می‌سازد. علاوه بر این، در سال‌های اخیر، وابسته‌های محلی داعش بخش‌های قابل توجهی از اعضای تحریک طالبان پاکستان را جذب خود کرده است. در چنین شرایط پیچیده‌ای، هند به سختی می‌تواند جایگزین قابل اعتماد پیدا کند (Rassler, 2015). هنوز، از نظر پاکستان تصور ذهنی و تنها توهم دست‌داشتن استخبارات افغانستان و ارتباطات قبلی آن با تحریک طالبان پاکستان، شواهد کافی برای پیمان‌شکنی و خیانت هند به شمار می‌رود.



۶. طالبان کلید استراتژی پاکستان در افغانستان

اسلام‌آباد برای مقابله با آنچه که آن را پیوند هند و افغانستان برای محاصره و تضعیف پاکستان تلقی می‌کند، یک استراتژی دو بعدی را دنبال کرده است؛ در حالی که به رهبران طالبان افغان در داخل پاکستان پناه داده است و گروه‌های دارای پناه‌گاه امن در داخل پاکستان را تقویت می‌کند، با کابل به دنبال برقراری روابط است. اگرچه اهداف اعلام‌شده و بدگمانی آی‌اس‌آی به صراحت ضد هندی نیست؛ اما وابستگی طالبان به پاکستان در داشتن پناه‌گاه و هم‌دستی با سازمان‌های تروریستی که علیه دهلی نوعملیات خصمانه انجام می‌دهند، به طور مشخص به این معنا است که گروه طالبان در محاسبات پاکستان یک دارایی به شمار می‌رود. در حالی که مقامات پاکستانی به صورت گسترده‌ای ارائه کمک به طالبان را انکار می‌کنند، انکارهای قاطع گذشته جای خود را به اقرارهای گاه و بی‌گاه داده است. در سال ۲۰۱۵، پرویز مشرف، حاکم نظامی سابق پاکستان، اذعان کرد که پاکستان از «گروه‌های نیابتی» ستیزه‌جو حمایت کرده است؛ زیرا حامد کرزی «به هند کمک کرد تا پاکستان را از پشت خنجر بزند.» (Boone, 2015). جنرال اشفق کیانی، جانشین مشرف، به عنوان رئیس ارتش که آی‌اس‌آی را نیز رهبری می‌کرد، به همان اندازه رک و صریح بود. او یک بار به یک دیپلمات امریکایی گفت: «اگر فکر می‌کنید که ما می‌خواهیم طالبان و شبکه حقانی و دیگر گروه‌ها را به دشمنان خونین خود تبدیل کنیم و تماشا کنیم که شما صحنه را ترک کنید، کاملاً دیوانه هستید. آیا شرط می‌بندید که ما هستیم؟» (De Luce, 2018).

پاکستان از طریق آی‌اس‌آی طالبان را کنترل نمی‌کند، برای پاکستان بسیار ناامیدکننده است که گروه طالبان بین اطاعت و تمرد در نوسان است. زمانی که طالبان در دهه ۱۹۹۰ به عنوان یک دولت حکومت می‌کردند، بارها درخواست‌های پاکستان برای به رسمیت‌شناختن مرز مورد اختلاف با افغانستان را رد کردند (Siddique, 2014: 60). در سال ۲۰۱۰، طالبان به منظور ایجاد کانال‌های ارتباطی بدون مداخلات پاکستان، نمایندگی دیپلماتیک خود را به قطر جابه‌جا کردند و بدین ترتیب، خودمختاری سیاسی این گروه قابلیت پیدا کرد. علاوه بر این، گسترش مناطق تحت کنترل طالبان در داخل افغانستان توانایی پاکستان در مجبور کردن این گروه را کاهش داده است. محیط چنان [برای طالبان] مهمان‌نوازانه توسعه یافته است که بر اساس گزارش‌ها، برخی از رهبران ارشد طالبان، پاکستان را برای گشت و گذارهای گاه و بی‌گاه به افغانستان ترک می‌کنند (TOLONews, 2017). طالبان هم‌چنین از سایه طولانی آی‌اس‌آی بر پناه‌گاه طالبان مستقر در پاکستان، از جمله سر زدن هنگام گردهمایی‌های گاه و بی‌گاه رهبران منتخب‌شان، شکایت دارند (Osman, 2016). به گفته یک فرمانده سابق طالبان، سفر اختر منصور، رهبر طالبان به ایران، قبل از کشته‌شدنش توسط حمله هوایی



امریکا در ۲۰۱۶، تا حدودی به منظور کاهش وابستگی این گروه به پاکستان انجام شده بود (Gall, and Khapalwak, 2017).

به طور متناقضی، به‌رغم تنش‌های مداوم بین اسلام‌آباد و طالبان، بقا، تحکیم و رشد طالبان به عنوان یک سازمان شورشی، نمی‌تواند بدون پاکستان امکان‌پذیر باشد. پاکستان توانست رهبری آسیب‌دیده طالبان را بهبود بخشد و سازمان‌دهی مجدد طالبان را در داخل یک پناه‌گاه امن پس از فروپاشی رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱ ممکن سازد. کمیسیون‌های ملی طالبان که وظایف اساسی مانند برنامه‌ریزی نظامی و تهیه خدمات پزشکی برای جنگجویان و شوراهای رهبری محلی را به عهده دارند، اولین بار در شهرهای پاکستان پدیدار شدند؛ مناطقی که طالبان در آن عملیات را هماهنگ می‌کنند، منابع خود را تدارک می‌بینند و پرسنل خود را به کار می‌گمارند (Farrell, 2018). (59-75; Jones, 2018). بسیاری از شورشیان طالبان «مسافرانی» هستند که بدون زحمت و به‌طور مکرر از طریق ایست‌های بازرسی که توسط نیروهای دوست پاکستانی شان اداره می‌شوند، از مرز عبور می‌کنند (Osman and Muzhary, 2017). «تتو فارل» به عنوان یک متخصص نظامی یادآور می‌شود که «شواهد قابل توجهی وجود دارد که ارتش پاکستان به کمک‌های مستقیم از طریق تأمین بودجه، آموزش نظامی، تهیه تدارکات و ارائه مشورت‌های نظامی نیز ادامه داده است.» (Farrell, 2017: 421). در مجموع، این به معنای بازی پاکستان در نقش یک صاحبخانه با نفوذ است و بعید به نظر می‌رسد که این نفوذ و اقتدار حتی در صورت حل و فصل منازعه افغانستان از طریق مذاکره از بین برود؛ زیرا اتکای رهبران طالبان به یک پناه‌گاه امن به عنوان یک حصار در برابر یک توافق شکننده، ادامه خواهد داشت.

تغییر سیاست ایالات متحده برای مذاکره مستقیم با طالبان و عدم حضور کابل، با منافع پاکستان در ارتقای نقش برجسته طالبان در یک دولت آینده برای افغانستان، هم‌سو است. برای سال‌ها، واشنگتن اسلام‌آباد را تحت فشار قرار داد تا پناه‌گاه‌های طالبان را از بین ببرد؛ اما نتیجه این فشارها، رفتار کاملاً فریبنده و تیره و تار ساختن فضا [از سوی پاکستان] بود. فرماندهان طالبان دستگیر و آزاد شدند و یا به طور پنهانی اخطار داده شدند که هنگام عملیات ارتش پاکستان محل را ترک کنند (Leiby and Sieff, 2013). اکنون درخواست‌های ایالات متحده در جهت مطلوبیت‌های پاکستان تغییر مسیر یافته است. اسلام‌آباد حالا به جای ریشه‌کن ساختن طالبان، فقط به زمینه‌سازی گفت‌وگو با طالبان نیاز دارد؛ شرایطی که به پاکستان آزادی عمل گسترده می‌دهد تا از کنار پرسش در مورد پناه‌گاه‌ها ظفره رود. پاکستان برای برآورده ساختن درخواست‌های ایالات متحده، تا کنون اقدامات نسبتاً اندک و کم‌هزینه‌ای را در مسیر پیشبرد مذاکرات انجام داده است؛ مانند آزادسازی ملا



عبدالغنی برادر، فرستاده عالی طالبان، در سال ۲۰۱۸ و زمینه‌سازی برای برقراری تماس میان طالبان و دیپلمات‌های امریکایی.^۱

بدون تردید، تشکیلات نظامی پاکستان با اتکا به خرد استراتژیک و استراتژی محافظت دقیق و نظم‌یافته، به توجیه‌گری و تبرئه خود می‌پردازد. به‌رغم سه بار فشار پی در پی ایالات متحده، اسلام‌آباد با حمایت گزینشی از واشنگتن، از زیر مسئولیت شانه خالی کرده است؛ در حالی که برای طالبان پناه‌گاه فراهم کرده است و سود تداوم این سیاست تأمینی خود را دریافت کرده است. شورش طالبان یکپارچه و قدرتمند است، واقعیتی که با موفقیت این گروه در کاهش میزان مشارکت رأی‌دهندگان در انتخابات ریاست جمهوری سپتامبر ۲۰۱۹ مشخص شد (SIGAR, 2019). به‌رغم اصطکاک‌های مکرر در روابط پاکستان و طالبان، این روابط پایدار است. در نتیجه، اگر مذاکرات به ثمر ننشیند، پاکستان از موقعیت خوبی برخوردار است تا از طریق طالبان بر حوادث افغانستان تأثیر بگذارد و برای دستیابی به توافق، همکاری پاکستان برای اطمینان‌یافتن در مورد امکان هماهنگی هرگونه معامله، شاید مهم باشد.

۷. نقش کشمیر در منازعات سه کشور

تصمیم دهلی نو برای لغو وضعیت نیمه‌مستقل جامو و کشمیر و ادغام آن ایالت سابق به بدنه کشور هند، تنش‌ها با پاکستان را به شدت افزایش داده است.^۲ گرچه ممکن است توجه اصلی هند به بازی قدرت در آن سوی کشمیر نبوده باشد؛ اما از این نگران بوده و است که یک معامله نه‌چندان مطلوب بر سر افغانستان، ممکن است به خلق موج تازه‌ای از خشونت‌های مرزی منجر شود.

پس از آن‌که جنگ بر ضد شوروی در سال ۱۹۸۹ به پایان رسید، شورشی در کشمیر تحت مدیریت هند به وجود آمد. اسلام‌آباد در برابر دامن‌زدن به این شورش شکایتی نکرد؛ در عوض، پاکستان از منابع نظامی و تخصص خود در جنگ نامتقارن که محصول حمایت از مجاهدین افغان در دهه ۱۹۸۰ بود، استفاده کرد تا یک مقاومت غیر سازمان‌یافته کشمیری را به یک شورش سازمان‌یافته تبدیل کند (Kapur, 2017: 84). در تابستان ۲۰۱۹، هند ظرفیت تکرار شدن تاریخ را درک کرد. در ماه آگوست، سخنگوی حزب حاکم هند اظهار داشت که دولت نیاز دارد تا «کنترل کامل دستگاه‌های امنیتی» در کشمیر را به دست گیرد؛ زیرا در پی توافق پیش‌بینی شده میان ایالات متحده و طالبان، احتمال بروز درگیری مجدد در آن‌جا وجود دارد (Slater, 2019).

۱. زلمی خلیل‌زاد، نماینده خاص ایالات متحده در امور صلح افغانستان، در صحبت‌های عمومی در مؤسسه صلح ایالات متحده در هشتم فبروری ۲۰۱۹ گفت که از پاکستان درخواست کرده است تا ملا برادر را رها کند (Gibbons-Neff and Shah, 2019).
۲. به صورت اختصاری، در این گزارش از دولت هندی پیشین جامو و کشمیر، به عنوان کشمیر یاد می‌شود. هنگامی که هند کشمیر را در آگوست ۲۰۱۹ سازمان‌دهی مجدد کرد، سبب شد که این دولت به دو اتحادیه و قلمرو تبدیل شود: جامو و کشمیر، و لداخ.



به طور قابل پیش‌بینی، رهبران پاکستان در صحنه دیپلماسی، حقه هند را به چالش می‌کشند؛ زیرا آن‌ها می‌ترسند که دهلی نو در عادی‌سازی مجدد وضعیت در کشمیر موفق شود و این امر، به صورت غیر قابل جبرانی وضعیت مورد منازعه این قلمرو را از هر نوع مذاکره‌ای در آینده خارج خواهد ساخت. تاکنون، به نظر می‌رسد که استراتژی هند با هیچ نوع فشار جدی داخلی یا خارجی برای تغییر مسیر مواجه نبوده و سرکوب وسیع در کشمیر، ناآرامی‌های گسترده را خاموش ساخته است.^۱ اگرچه تظاهرات ضد دولتی بر سر یک قانون جنجالی شهروندی، صحنه سیاست هند را درگیر خود ساخته است؛ اما این اعتراضات بعید است که دهلی نو را مجبور سازد تا به تغییر سیاست در مورد کشمیر بپردازد. بسیاری از احزاب مخالف از ادغام کشمیر در اتحادیه هند استقبال کردند و اعتراضات خود را به عدم مشورت با شرکای سیاسی و اقدامات شدید امنیتی محدود کردند. حتی چین، که معمولاً متحد سرسخت پاکستان است، مداخلات خود را در کشمیر در حد اظهار همبستگی با اسلام‌آباد محدود کرده است؛ در حالی که موضوع را به یک نگرانی کاملاً دوجانبه بین هند و پاکستان ارجاع داده است (Aneja, 2019). در نشستی که بین نخست‌وزیر هند، نارندرا مودی، و رئیس‌جمهور چین، شی جین‌پینگ، در اکتوبر ۲۰۱۹ برگزار شد، کشمیر به عنوان یک موضوع در دستور کار قرار نگرفت (Economic Times, 2019).

در کوتاه‌مدت، پاکستان گزینه‌های کمی در اختیار دارد. تهاجمات دیپلماتیک اسلام‌آباد به منظور جلب توجه افکار جامعه جهانی علیه دهلی نو به نتایج کمی دست یافته است. اگر پاکستان تلاش کند که حملات شبه‌نظامیان مرزی را در کشمیر یا سرزمین اصلی هند افزایش دهد، در حالی که با یک اقتصاد متزلزل در داخل کشور دست و پنجه نرم می‌کند، با خطر انزوای بین‌المللی و انزوای مالی یا بدتر از آن، با یک جنگ تمام‌عیار با هند مواجه خواهد شد. حملات هوایی هند در جریان درگیری هند و پاکستان که در اوایل سال ۲۰۱۹ آغاز شد - اولین حمله هوایی به سرزمین اصلی پاکستان از سال ۱۹۷۱ به بعد - به احتمال زیاد نتوانسته است یک بازدارنده پایدار در برابر حمایت اسلام‌آباد از ستیزه‌جویی ایجاد کند. در همان زمان، این حمله نشان‌دهنده خطر تشدید سریع جنگ بود. علاوه بر این، یک کاروزار تروریستی تحریک‌شده توسط پاکستان می‌تواند نتیجه معکوس دهد و ضمن برگرداندن توجه رسانه‌ها از سرکوب دهلی نو، سبب افزایش همدردی با هند شود.

با این حال، فشار داخلی پاکستان برای مقابله تهاجمی بر ضد هند گریزناپذیر است. در صورتی که دهلی نو سازمان‌دهی مجدد در کشمیر را به طور مؤثری تحکیم بخشد، احتمال دارد که پاکستان در رویکرد فعلی خود تجدید نظر کند. از آغاز جنگ هند و پاکستان بر سر کشمیر (۴۸-۱۹۴۷)،

۱. در زمان تدوین این گزارش، هند از برخی سخت‌گیری‌های خود در کشمیر کاسته است؛ مثلاً ارائه خدمات تلفن ثابت و موبایل را تسهیل کرده است، تعداد اندکی سیاستمداران در بازداشت خانگی قرار دارند و تعدادی هم آزاد شده‌اند.



پاکستان جاه طلبی‌های خود را برای خارج ساختن منطقه مورد منازعه از تصرف هند، افزایش داده است. روایت مشهور و دیرینه اسلام‌آباد، اختلافات را با اصطلاحات صریح و سازش‌ناپذیر مانند «رگ گردن» پاکستان خواندن کشمیر و «دستور کار ناتمام» منطقه فرمول‌بندی می‌کند (Omer Fa-rooq Khan, 2019)؛ بنابراین، ارتش پاکستان پس از چندین دهه تبلیغ از کشمیر به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر هویت پاکستان از زمان تأسیس، از عهده پاسخ به درک داخلی از انفعال یا پذیرش ضمنی سیاست هند بر نمی‌آید. ارتش ادعای بلامنازع دارد که اگر شرایط تغییر نکند، امنیت ملی به بررسی ادامه خواهد داد؛ در حالی که گزارش‌های رسانه‌ای عدم جذابیت پاکستان در مجامع بین‌المللی در کنار ادامه نگرانی‌های حقوق بشری در کشمیر را برجسته می‌سازند. عایشه صدیقه، ناظر دیرینه روابط پاکستان با گروه‌های افراطی، معضل ارتش را به طور خلاصه چنین بیان می‌کند: «پاکستان کاری انجام دهد یا ندهد، ارتش با خطر عدم محبوبیت مواجه است ... فشار غیرقابل تصویری از سوی شاهین‌ها در داخل این نهاد نیز وجود خواهد داشت.» (Saeed Shah, 2019).

۸. چگونه پاکستان می‌تواند هند را در افغانستان مجازات کند؟

اگر ایالات متحده بدون معاهده صلح جامع از افغانستان به سرعت خارج شود، این کشور ممکن است دوباره به میدان جنگ انتخابی ارتش پاکستان تبدیل شود. در چنین سناریویی، انگیزه‌های پاکستان برای کاهش فشار داخلی به خاطر مقابله به مثل در کشمیر و بازگشت به گذشته، آنچه که اسلام‌آباد قبلاً آن را به عنوان فعالیت‌های بدطینت هند تلقی می‌کرد، به طور قابل توجهی گسترش خواهد یافت. سه عامل اساسی زمینه جنگ نیابتی را تسهیل می‌کند:

انکارپذیری: پس از خروج سریع ایالات متحده، حجم گسترده‌ای از خشونت به طور قابل توجهی گسترش خواهد یافت؛ در نتیجه، اگر نه کاملاً مخفی، یک حمله نیابتی توسط پاکستان ترتیب داده خواهد شد. فراهم کردن استاد به و بژه در منازعات افغانستان، جایی که گروه‌های متعدد و سازمان‌های گوناگون فعالیت می‌کنند، منابع را به اشتراک می‌گذارند و گاهی از پذیرش فوری مسئولیت گریزانند، چالش برانگیز است. به عنوان مثال: هنگامی که شبه‌نظامیان لشکر طیبه در سال ۲۰۱۴ به قنسولگری هند در ولایت هرات حمله کردند، این گروه، مطابق با روش عملیاتی خود، مسئولیت این حمله را نپذیرفت.^۱ به صورت همگانی پس از آن این حمله به لشکر طیبه نسبت داده

۱. در بیست و سوم ماه می ۲۰۱۴، چهار نفر مسلح به قنسولگری هند در هرات حمله کردند و به مدت ۹ ساعت با پرسنل امنیتی هندی و افغان به تبادل آتش و درگیری پرداختند. تمامی مهاجمین کشته شدند و قنسولگری هند نیز خسارات سنگینی را متحمل شد. حمله سه روز قبل از آن رخ داد که نخست‌وزیر نارندرا مودی برای اولین دور نخست‌وزیری‌اش سوگند خورده بود. هنوز مشخص نیست که آیا پاکستان این حمله را مدیریت و هدایت کرده بود یا خیر؛ به صورت عموم، حمله بر ضد شهروندان و تأسیسات هندی در افغانستان، توسط برنامه‌ریزی و هدایت لشکر طیبه انجام می‌شود.



شد که سازمان‌های استخباراتی غربی نقش لشکر طیبه را در این حمله گزارش دادند. وزارت خارجه ایالات متحده یک ماه کامل پس از این حمله، رسماً نقش لشکر طیبه را تأیید کرد و این گروه را مقصر اعلام نمود (US Department of State, 2014). دهلی نو ممکن است به صورت واکنشی، در همه اقدامات تروریستی علیه دارایی‌ها و کارمندان دیپلماتیک هند، دست پاکستان را دخیل اعلام نماید؛ هرچند شواهدی وجود نداشته باشد. هنوز هم در وضعیتی که مقصر شناختن [پاکستان] در نقطه خاکستری قرار دارد، تأیید کردن پاسخ تنبیهی [در برابر این اتهامات] دشوار است. علاوه بر این، خروج ایالات متحده اگر سبب از بین رفتن همه منابع اطلاعاتی آن نشود، ناگزیر به کاهش اغلب منابع اطلاعاتی آن منجر خواهد شد و این امر مانع تلاش برای کشف توطئه‌های تروریستی می‌شود. آسان‌گیری: پاکستان برای نقش خود در حمایت از ستیزه‌جویان در حمله علیه شهروندان و مقامات دیپلماتیک هندی در افغانستان، هیچ هزینه قابل توجهی متحمل نشده است؛ این امر ممکن است سبب تشویق اسلام‌آباد به تأکید بر خروج سریع نیروهای امریکایی شود. مرگبارترین این حملات در ژوئیه ۲۰۰۸ رخ داد؛ زمانی که اعضای شبکه حقانی در سفارت هند در کابل بمب‌گذاری کردند و پنجاه و چهار نفر، از جمله وابسته دفاعی هند، را کشتند. بمب‌گذار توسط شبه‌نظامیان لشکر طیبه آموزش دیده بود و این نمونه‌ای بارز از لقاح متقاطع است که اغلب در میان شبکه‌های ستیزه‌جو رخ می‌دهد (Coll, 2018: 308). پس از بمب‌گذاری، مقامات ارشد امریکایی با اطلاعات جالبی که نشان می‌داد آی‌اس‌آی حمله را هماهنگ کرده است، با رهبران پاکستان دیدار کردند (Mazzetti and Schmitt, 2008). در پاسخ، آی‌اس‌آی تغییراتی در پرسنل به وجود آورد؛ اما هیچ تغییر نهادی در سیاست آن مبنی بر استفاده از اهرم گروه‌های نیابتی و محافظت از آنان، به وجود نیامد (Perlez, 2008). سفارت هند بار دیگر در سال ۲۰۰۹ با بمب‌گذاری کم‌فاجعه‌بارتر دیگری مواجه شد که هیچ عواقبی برای پاکستان در بر نداشت.

عدم اطمینان تلافی: تمایل پاکستان برای تشدید خشونت نیابتی در افغانستان هم‌چنان به پاسخ احتمالی هند وابسته است. زمینه سیاسی بمب‌گذاری در سفارت در هر تحلیلی مهم است. حزب حاکم هند در آن زمان مایل بود از خود خویشتن‌داری نشان دهد - از جمله خودداری از تلافی جویی در برابر پاکستان به خاطر نقش لشکر طیبه در حملات بسیار خونین بمبی تنها چند ماه پس از اولین بمب‌گذاری در سفارت - تا به دولت ضعیف پاکستان اجازه نفس کشیدن بدهد (Menon, 2016: 63). رهبران غیر نظامی وقت پاکستان به دنبال بهبود روابط با هند بودند. امروزه، هیچ‌یک از این شرایط وجود ندارد و نخست‌وزیر نارندرا مودی احتمالاً تمایل کم‌تری به تحمل تروریسم، صرف نظر از محل وقوع حمله تروریستی، دارد. عوامل غیر قابل پیش‌بینی، مانند مقیاس حمله، انعکاس



رسانه‌های آن و سیگنال ایالات متحده، نیز بر میزان شدت واکنش از سوی هند مؤثر خواهد بود. هرچند توانایی هند در تحمیل هزینه‌ها بر پاکستان از سال ۲۰۰۸ به بعد به طور قابل ملاحظه‌ای بهبود نیافته است، حقیقتی که نتایج ناچیز حمله هوایی هند در سال ۲۰۱۹ و حمله‌های زمینی قبلی به کشمیر تحت کنترل پاکستان، که حداقل خسارت را در پی داشت، بر آن تأکید دارد (M. Ilyas Khan, 2016). حمله هوایی ممکن است به معنای پاسخ قوی‌تر به تروریسم باشد. با این حال، تا کنون ثابت شده است که این نوع حملات به صورت یک رویداد منفرد انجام می‌شود و نه در چارچوب یک روند، و انگیزه‌های مخصوص پیش از انتخابات در اجرای تصمیم مودی برای حمله، احتمالاً نقش قابل توجهی داشته است.^۱ گزینه‌هایی که درجه‌ای از خطر نفرت را در داخل دهلی نو ایجاد کند و روی محاسبات پاکستان تأثیر بگذارد، محدود است و اسلام‌آباد اطمینان دارد که می‌تواند در برابر اقدامات محدود اجباری که دهلی نو تا کنون انجام داده است، مقابله کند.

تروریسم در افغانستان در مقایسه با حملات علیه سرزمین اصلی [پاکستان] یا کشمیر، هم‌چنان از برجستگی سیاسی کم‌تری در داخل هند برخوردار است. دور بودن افغانستان [از هند] ممکن است سبب کاهش فشار داخلی برای انتقام‌جویی‌های نظامی [توسط هند در افغانستان] شود. علاوه بر این، برخلاف حملات ستیزه‌جویان قبلی علیه منافع هند در افغانستان، عوامل جنگ برای حمله هوایی ۲۰۱۹، به عنوان یک حمله تروریستی به کشمیر، به صورت عمومی به سرخط خبرها تبدیل شد و قابل انکار نبود که جیش محمد آن را انجام داده بود.

۹. ضروری بودن، اما کافی نبودن معامله جامع: شرایط بازداری از خشونت نیابتی

ایالات متحده حتی اگر به یک توافق‌نامه صلح گسترده در افغانستان دست یابد، مسیرهای جذاب برای پاکستان به منظور اعمال خشونت نیابتی علیه هند احتمالاً هم‌چنان وجود خواهد داشت، و توافق‌نامه انگیزه‌های اساسی حملات را برطرف نمی‌کند. هر نوع معامله نهایی که شامل طالبان خواهد بود، به طور اجتناب‌ناپذیری مستلزم خروج نیروهای امریکایی و از بین رفتن ظرفیت مبارزه ضد تروریستی خواهد بود. انتظار می‌رود که عناصر تندرو طالبان بر جنگ پافشاری کنند و می‌توانند به داعش و یا سایر گروه‌های آشتی‌ناپذیر بپیوندند. با وجود این، یک معامله فراگیر که قدرت را در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه افغانستان توزیع کند، احتمالاً سبب محدود شدن تبهکارانی خواهد شد که به دنبال اعمال خشونت و ایجاد اختلال هستند. بخش عمده جریان اصلی جنبش طالبان که مشوق توافق هستند، به صورت خاص تعیین‌کننده خواهند بود و گروه‌های بسیار مهم دیگری، مانند

۱. حمله هوایی بالاکوت در فضای انتخابات عمومی هند در آوریل - می ۲۰۱۹ رخ داد و به صورت واضح، در شعار انتخاباتی حزب حاکم بهاراتیا جاناتا در مورد امنیت ملی تبلور یافت.



لشکر طیبه و جیش محمد، برای بقای خود در افغانستان به میزبانی طالبان وابسته هستند. هم‌چنین، منطقی است که انتظار داشته باشیم یک توافقی گسترده متضمن رضایت کابل و جناح‌های افغانی که از طالبان در حال احیای مجدد وحشت دارند، باید بر این امر تأکید داشته باشد که خروج نیروهای امریکایی باید در چندین مرحله و همراه با دست‌یابی به معیارها یا نقاط عطف خاص، از جمله تحریم‌ها علیه خشونت و تروریسم، باشد. خروج تدریجی نیروهای امریکایی، شرایطی را فراهم می‌کند که بتوان رفتار عاملان خشونت را مورد ارزیابی بیش‌تر قرار داد. سرانجام، منطقی است تصور کنیم که یک توافق جامع احتمالاً سازوکاری برای حفظ تداوم همکاری و کمک‌های ایالات متحده و جامعه جهانی به نیروهای امنیتی افغانستان ایجاد می‌کند. این امر مطمئناً تحقق ادامه کار در عرصه اهداف ضد تروریسم را نسبت به سایر مسایل در اولویت قرار خواهد داد. این تجزیه و تحلیل نمی‌خواهد پیشنهاد کند که چون کاروزار جنگ نیابتی آغاز شده توسط پاکستان اجتناب‌ناپذیر است، ایالات متحده باید افغانستان را ترک کند. در حال حاضر، به نظر می‌رسد که پاکستان به خاطر آشوب داخلی و مشکلات اقتصادی خود از پا درآمده است. علاوه بر این، گروه‌هایی مانند لشکر طیبه ممکن است برای افزایش خشونت علیه پرسنل و تأسیسات هندی در افغانستان به تشویق زیادی احتیاج نداشته باشند، و هند می‌تواند به عنوان یک اقدام پیش‌گیرانه، از حضور پررنگ خود در افغانستان بکاهد. با وجود این، با درجه بالایی از اطمینان می‌توان گفت که در پی خروج عجلوانه امریکا، هرج و مرج ایجاد خواهد شد که به نوبه خود، انتظار می‌رود این هرج و مرج شرایطی را فراهم کند که پاکستان از طریق آن به صورت نامتقارن به هند آسیب برساند. نماینده‌های ستیزه‌جوی پاکستان ممکن است به هدایت یا راهنمایی صریح نیاز نداشته باشند. با وجود این، زرادخانه ارتش پاکستان منابع بزرگی را در اختیار مشتریان مسلح خود قرار می‌دهد تا آن‌ها را تقویت کند و دامنه و مقیاس تروریسم ضد هندی را گسترش دهد، و این گروه‌ها از حمایت‌های ارائه شده توسط پاکستان بهره‌مند خواهند شد. به همین دلایل، حملات بر سفارت [هند] به عنوان یک هشدار شوم برای آینده مطرح خواهد بود.

بنیاد اندیشه

۱۳۹۴

۱۰. نتایج و پیامدهای پالیسی [ایالات متحده]

تعامل واشنگتن با طالبان تنش‌ها را بین هند و پاکستان افزایش داده است؛ زیرا دهلی نو این روند را اعطای نقش‌های بیش از اندازه به طالبان و پاکستان می‌داند. اگر منصفانه بنگریم، دامنه مذاکرات عمداً به این امر محدود شده است تا اختلافات را با سرعت بیش‌تری بین دو طرف اصلی منازعه افغانستان از میان بردارد. زمانی که این اختلافات برطرف شد، مذاکرات ممکن است به یک مجموعه گسترده‌تر و جامع‌تر که شامل دولت افغانستان، جناح‌های غیر طالب و همسایگان افغانستان باشد،



تسری یابد. «لورل میلر»، دیپلمات سابق امریکایی، و «جانانان بلک»، دانشمند علوم سیاسی، می‌نویسند: «دولت‌های منطقه‌ای از ابراز نظر در مورد نتایج اساسی صلح افغانستان خودداری کرده‌اند.» (Millerand Blake, 2019: 20). سرانجام، یک روند صلح همه‌جانبه، به عنوان کم‌ترین الزامات برای صلح پایدار، ممکن است از سطح هند و پاکستان عبور کند و دولت‌های دیگری را نیز شامل این پروسه سازد. اما یک «معامله بزرگ» که شامل کشمیر و مجموعه گسترده‌تری از آن و مسایل مربوط به رقابت بین هند و پاکستان باشد، احتمالاً هنوز امر قابل دسترس نیست. هند، به عنوان یک قدرت بالفعل، از عادی‌سازی روابط با پاکستان سود کمی می‌برد و پاکستان نیز بعید به نظر می‌رسد که از روابط خود با جنگ‌جویان نیابتی چشم‌پوشی کند؛ زیرا این گروه‌ها عدم تعادل قدرت در رقابت با قدرت رو به رشد هند را جبران می‌کنند و در ایجاد شرایط مناسب برای منافع پاکستان، اهمیت زیادی دارند.

از نظر انتقادی، اگرچه گفت‌وگوهای صلح افغانستان نمی‌تواند خصومت بین هند و پاکستان را کاهش دهد؛ اما دست‌یابی به یک توافق‌نامه صلح گسترده بین افغان‌ها احتمالاً دورنمای برخوردار مرگبار در افغانستان را کاهش خواهد داد. برعکس، خروج سریع نیروهای امریکایی بدون وجود یک توافق‌نامه صلح جامع، در پیچه‌های سیل‌گیر خشونت را خواهد گشود و شرایط مساعدتری را برای تشدید تروریسم نیابتی توسط پاکستان فراهم خواهد ساخت. هند به نوبه خود می‌تواند به گذشته بازگردد و الگوی دهه ۱۹۹۰ خود را مبنی بر حمایت از پارتیزان‌هایش با کمک‌های مرگبار در پیش گیرد. این امر، به معنای سرعت‌بخشیدن به تجزیه افغانستان خواهد بود.

برخی از تحلیل‌گران استدلال می‌کنند که شفاف‌سازی هند در مورد حضور و فعالیت‌هایش در افغانستان، می‌تواند اضطراب استراتژیک پاکستان را کاهش دهد. چنین نتیجه‌ای بعید به نظر می‌رسد. هند به جز یک گروه کوچک پلیس برای محافظت از کارگزارانش، هرگز نیروهای نظامی خود را در افغانستان مستقر نکرده است و بعید به نظر می‌رسد که در آینده قابل پیش‌بینی نیز چنین اقدامی کند.^۱ با این حال، حتی اگر سربازان هندی در افغانستان حضور نداشته باشند، پاکستان به تسهیل پناه‌گاه برای طالبان افغانستان ادامه خواهد داد و به تشویق خشونت علیه پرسنل و امکانات هندی خواهد پرداخت. اسلام‌آباد، «RAW» و همتای افغان آن را برای انجام کاروزار براندازی در پاکستان مقصر می‌داند؛ اما این ادعاها از شواهد موجود پیشی می‌گیرند. درخواست شفاف‌سازی از هند در مورد فعالیت‌هایش ممکن است انجام نشود؛ زیرا هند شروع‌کننده نبوده است. افزون بر این، پاکستان برای این که ثابت شود هند فعالیت‌های شرارت‌آمیز ندارد، احتمالاً به دنبال یک استاندارد

۱. هند کوهنوردان ویژه پلیس هندو-تیبتان خود را برای محافظت از سفارت و قنصلگری خود در افغانستان اعزام می‌کند.



اثباتی مانند تعطیلی دو قنصلگری هند در نزدیک مرز افغانستان- پاکستان است؛ چیزی که برای هند قابل پذیرش نخواهد بود.

تحلیل‌گران دیگری این ایده را گسترش می‌دهند که اتصال منطقه‌ای از طریق تجارت و سایر بخش‌ها که می‌تواند منافع مشترکی را بین هند، پاکستان و افغانستان به وجود بیاورد، مورد تشویق قرار گیرد. با این حال، تا آن‌جا که به هند و پاکستان مربوط می‌شود، ژئوپلیتیک تمایل دارد که مشارکت اقتصادی را تحت الشعاع خود قرار دهد. هرچند تجارت سلاح دیگری است که هر کشوری برای مقابله با کشور دیگر به کار می‌گیرد و هند به دلیل گستردگی اقتصاد خود از یک مزیت قوی‌تر برخوردار است. چنان‌که «ت. س. ا. رغاوان»، کمیشنر عالی سابق هند می‌نویسد، «اکنون اجرای سیاست عادی‌سازی تجاری و اقتصادی برای یک دولت در پاکستان در حالی که فاصله اقتصادی بین هند و پاکستان هم‌چنان در حال گسترش است، حتی بیش از گذشته دشوار است (Raghavan, 2019: 302). پس از آن‌که هند کشمیر را در آگوست ۲۰۱۹ به خاک هند ادغام کرد، اسلام‌آباد روابط تجاری خود را با هند به حالت تعلیق درآورد (Sanallah Khan, Siddiqui and Sherani, 2019). به همین ترتیب، هند نیز پس از بمب‌گذاری جیش محمد در کشمیر در سال ۲۰۱۹، پاکستان را از وضعیت محبوب‌ترین کشور برای تجارت خارج ساخت (Times of India, 2019). پاکستان مانع تجارت زمینی افغانستان با هند است. در حالی که بندر چابهار ایران هنوز توسعه نیافته است، منطق هند در استفاده از آن، به معنای تمایل زیادی برای دور زدن پاکستان است. به همین ترتیب، از دیدگاه افغانستان، دسترسی به چابهار امری حیاتی در کاهش وابستگی اقتصادی افغانستان به پاکستان به شمار می‌رود.

در پایان، باید گفت تا زمانی که آتش رقابت گسترده‌تری بین هند و کشور به صورت آرام و ضمنی روشن باشد، احتمال بسیار اندکی وجود دارد که تنش‌ها بین هند و پاکستان در افغانستان کاهش یابد. هیچ راه‌علاجی وجود ندارد و به جز چرخش ناگهانی و چشم‌گیر حوادث، احتمال بازگشت به وضعیت گذشته نسبت به کشمیر تقریباً صفر است. هند در واقع از طریق تلگراف به پاکستان گفته است که قصد دارد به اختلاف چندین دهه در مورد کشمیر بر اساس شرایط خود پایان دهد؛ اما پاکستان هرگز چنین چالشی را برای هویت ملی خود نخواهد پذیرفت و به تکاپو برای یافتن راه‌هایی به منظور تضعیف هندوستان ادامه خواهد داد. به عبارت دیگر، افغانستان صحه رقابت برای مهم‌ترین دینامیکی است که عامل منازعه هند و پاکستان بوده است [منازعه کشمیر]؛ رقابت و منازعه‌ای که تا کنون هیچ نشانه‌ای برای فروکش آن وجود ندارد.



منابع

1. Ahmadyar, Najib and Arif Osanzoi, "Afghan Poll Shows Deep Dissatisfaction with Kabul Leadership," Voice of America News, March 25, 2016, www.voanews.com/east-asia/afghan-poll-shows-deep-dissatisfaction-kabul-leadership.
2. Al Jazeera (2019), "Taliban Delegation Visits Iran to 'Discuss Latest Developments,'" Al Jazeera, September 17, 2019, www.aljazeera.com/news/2019/09/taliban-delegation-visited-iran-discuss-latest-developments-190917140942411.html.
3. Ambassador Syed Akbaruddin (2019), India's Permanent Representative to the United Nations, speech, Open Debate on the Situation in Afghanistan, UN Security Council, June 19, 2019, www.pminewyork.gov.in/pdf/uploadpdf/statements__1818696126.pdf.
4. Aneja, Atul (2019), "China Changes Tack on Kashmir," The Hindu, October 9, 2019, www.thehindu.com/news/national/china-changes-tack-on-kashmir/article29620986.ece.
5. Bacon, Tricia (2019), "The Evolution of Pakistan's Lashkar-e-Tayyiba Terrorist Group," Orbis 63, no. 1.
6. BBC (2017), "Pakistan Army Stands by Democracy—Chief," BBC Monitoring South Asia, April 5, 2017.
7. BBC (2019), "Afghanistan Taliban Commanders Freed 'in Swap for Indian Hostages,'" October 7, 2019, www.bbc.com/news/world-asia-49959557.
8. BBC (2019), "Pakistan Rules out India's Role in Afghan Peace Process," BBC Monitoring South Asia, January 18, 2019.
9. Boone, Jon (2015), "Musharraf: Pakistan and India's Backing for 'Proxies' in Afghanistan Must Stop," The Guardian, February 13, 2015, www.theguardian.com/world/2015/feb/13/pervez-musharraf-pakistan-india-proxies-afghanistan-ghani-taliban.
10. Butt, Ahsan I. (2017), *Secession and Security: Explaining State Strategy against Separatists*, Ithaca, NY: Cornell University Press, 2017.
11. Coll, Steve (2018), *Directorate S: the CIA and America's Secret Wars in Afghanistan and Pakistan*, New York: Penguin Books, 2018.
12. Dalrymple, William (2013), "A Deadly Triangle, Afghanistan, Pakistan & India," Brookings Institution, June 25, 2013, <http://csweb.brookings.edu/content/research/essays/2013/deadly-triangle-afghanistan-pakistan-india-c.html>. تأسیس ۱۳۹۴
13. Datta, Saikat (2009), "Shackled by a Doctrine," Outlook India, March 16, 2009, www.outlook-india.com/magazine/story/shackled-by-a-doctrine/239961.
14. De Luce, Dan (2018), "Is Trump Ready to Dump Pakistan?" Foreign Policy, March 26, 2018, www.foreignpolicy.com/2018/03/26/is-trump-ready-to-dump-Pakistan.
15. Doval, Ajit (2010), "Changing Paradigms of National Security—Need to Transform and Not Reform Intelligence Apparatus," Vivekananda International Foundation, March 16, 2010, www.vifindia.org/print/282.



16. Dulat, A. S., Asad Durrani, and Aditya Sinha (2018), *Spy Chronicles: RAW, ISI and the Illusions of Peace*, New Delhi: HarperCollins Publishers India, 2018.
17. Economic Times (2015), "Kashmir Is Unfinished Agenda of Partition, Says Pakistan's Army General Raheel Sharif," June 5, 2015, <https://economictimes.indiatimes.com/news/politics-and-nation/kashmir-is-unfinished-agenda-of-partition-says-pakistans-army-general-raheel-sharif/articleshow/47527805.cms>.
18. Economic Times (2019), "Modi-Xi Summit: Kashmir Not Discussed; India, China Agree to Tackle Trade Deficit," Economic Times, October 12, 2019, <https://economictimes.indiatimes.com/news/politics-and-nation/modi-xi-summit-kashmir-not-discussed-india-china-agree-to-tackle-trade-deficit/videoshow/71555058.cms>.
19. Farrell, Theo (2017), *Unwinnable: Britain's War in Afghanistan 2001-2014* Farrell, (London: Bodley Head, 2017).
20. Farrell, Theo (2018), "Unbeatable: Social Resources, Military Adaptation, and the Afghan Taliban," *Texas National Security Review* 1, no. 3 (May 2018).
21. Gall, Carlotta Gall and Ruhullah Khapalwak (2017), "Taliban Leader Feared Pakistan before He Was Killed," *New York Times*, August 9, 2017, www.nytimes.com/2017/08/09/world/asia/taliban-leader-feared-pakistan-before-he-was-killed.html.
22. Ganguly, Sumit (2016), *Deadly Impasse: Indo-Pakistani Relations at the Dawn of a New Century*, Cambridge: Cambridge University Press.
23. Gibbons-Neff, Thomas and Taimoor Shah (2019), "Taliban and U.S. Envoy Meet for First Time since Peace Talks Collapsed," *New York Times*, October 5, 2019, www.nytimes.com/2019/10/05/world/asia/us-taliban-talks.html.
24. Gurung, Shaurya Karanbir (2017) "No Troops, But Will Extend All Support to Kabul: India," *Economic Times*, September 26, 2017, <https://economictimes.indiatimes.com/news/defence/no-troop-contribution-in-afghanistan-india/articleshow/60840315.cms>.
25. Haidar, Suhasini and Kallol Bhattacharjee (2019), "U.S.-Taliban Deal Would Have Been Disastrous for Afghanistan: Diplomats," *The Hindu*, September 9, 2019, www.thehindu.com/news/international/us-taliban-deal-would-have-been-disastrous-for-afghanistan-diplomats/article29376526.ece.
26. Indo-Asian News Service, "Army Ignored Intelligence on Kargil: Former IB Chief," April 21, 2006.
27. Jones, Seth (2018), "The Insurgent Sanctuary in Pakistan," *Center for Strategic and International Studies*, September 11, 2018, www.csis.org/analysis/insurgent-sanctuary-pakistan.
28. Kapur, S. Paul (2017), *Jihad as Grand Strategy: Islamist Militancy, National Security, and the Pakistani State*, Oxford: Oxford University Press.
29. Kumar, Vinay (2019), Interview with Indian Ambassador to Afghanistan Vinay Kumar, "The

- Envoy 2 Afghanistan: Vinay Kumar," RTA World, December 26, 2019, <https://youtu.be/OIvB-KKKTkPw>.
30. Leiby, Richard and Kevin Sieff (2013), "Some Taliban Prisoners Released by Pakistan Are Back in Battle, Officials Fear," Washington Post, February 9, 2013, www.washingtonpost.com/world/war-zones/some-taliban-prisoners-released-by-pakistan-are-back-in-battle-officials-fear/2013/02/09/ea0a0d30-721d-11e2-b3f3-b263d708ca37_story.html.
 31. M. Ilyas Khan (2016), "India's 'Surgical Strikes' in Kashmir: Truth or Illusion?" BBC News, October 23, 2016, www.bbc.com/news/world-Asia-India-37702790.
 32. Malik, Ashok (2019), Public remarks by Senior Advisor to the Indian Ministry of External Affairs Ashok Malik at a conference, "The India-Afghanistan Relationship: Examining Historical, Political, Economic, and Cultural Ties," Hudson Institute, Washington, DC, November 21, 2019, www.youtube.com/watch?time_continue=5263&v=415YtKCbeM8&feature=emb_logo.
 33. Mashal, Mujib (2019), "2 Weeks of U.S.-Taliban Talks End with 'Progress' but No Breakthrough," New York Times, March 12, 2019.
 34. Mashal, Mujib (2019), "The President, the Envoy and the Talib: 3 Lives Shaped by War and Study Abroad," New York Times, February 16, 2019.
 35. Masood Azhar's listing in the ISIL (Da'esh) and Al-Qaida Sanctions List, May 1, 2019, www.un.org/securitycouncil/content/mohammed-masood-azhar-alvi.
 36. Masood, Salman (2016), "Pakistan Arrests Jaish Militants over Attack on Indian Air Base," New York Times, January 13, 2016, www.nytimes.com/2016/01/14/world/asia/pakistan-india-pathankot-jaish-muhammad.html.
 37. Mazzetti, Mark and Eric Schmitt (2008), "Pakistanis Helped Plan Kabul Blast, U.S. Says," New York Times, August 2, 2008, www.nytimes.com/2008/08/01/world/asia/01pstan.html.
 38. Mehmood, Khalid (2019), "Theory of Strategic Depth a Dead Horse, says Qureshi," Express Tribune, June 23, 2019, www.tribune.com.pk/story/1998421/1-theory-strategic-depth-dead-horse-says-queshi.
 39. Menon, Shivshankar (2016), Choices: Inside the Making of Indian Foreign Policy, Washington, DC: Brookings Institution Press.
 40. Miller, Laurel E. and Jonathan S. Blake (2019), Envisioning a Comprehensive Peace Agreement for Afghanistan, Santa Monica, CA: Rand Corp.
 41. Mitra, Joy (2017), "Afghanistan: Case for Indian Military Assistance," South Asian Voices, June 15, 2017, <https://southasianvoices.org/case-for-indian-military-assistance-to-afghanistan>.
 42. Omer Farooq Khan (2019), "Kashmir is 'Pak's jugular vein', says Imran," Times of India, September 6, 2019, <https://timesofindia.indiatimes.com/world/pakistan/kashmir-is-paks-jugular-vein-says-imran/articleshow/71016362.cms>.
 43. Osman, Borhan and Fazal Muzhary (2017), "Jihadi Commuters: How the Taleban Cross the Du-



- rand Line,” Afghanistan Analysts Network, October 17, 2017, www.afghanistan-analysts.org/jihadi-commuters-how-the-taleban-cross-the-durand-line.
44. Osman, Borhan, “Taliban in Transition 2: Who Is in Charge Now?” Afghanistan Analysts Network, June 22, 2016, www.afghanistan-analysts.org/taleban-in-transition-2-who-is-in-charge-of-the-taleban.
 45. Paliwal, Avinash (2017/1), “New Alignments, Old Battlefield: Revisiting India’s Role in Afghanistan,” Carnegie India, June 2017, www.carnegieendowment.org/files/6152017_Paliwal_IndiasRoleinAfghanistan_Web.pdf.
 46. Paliwal, Avinash (2017/2), My Enemy’s Enemy: India in Afghanistan from the Soviet Invasion to the US Withdrawal, Oxford: Oxford University Press.
 47. Paliwal, Avinash (2019), “The ‘India Question’ in Afghanistan,” Lawfare Institute, October 6, 2019, www.lawfareblog.com/india-question-Afghanistan.
 48. Panda, Ankit (2017), “First Indian Wheat Shipment Leaves for Afghanistan via Iran’s Strategic Chabahar Port,” The Diplomat, October 30, 2017, <https://thediplomat.com/2017/10/first-indian-wheat-shipment-leaves-for-afghanistan-via-irans-strategic-chabahar-port>.
 49. Pant, Harsh V. (2016), Indian Foreign Policy: An Overview, Manchester: Manchester University Press.
 50. Pasricha, Anjana (2017), “India and Afghanistan Open Air Freight Corridor to Bypass Pakistan,” Voice of America News, June 21, 2017, www.voanews.com/east-asia/india-and-afghanistan-open-air-freight-corridor-bypass-pakistan.
 51. Perlez, Jane (2008), “Pakistani Military Names Spy Agency Chief,” New York Times, September 30, 2008, www.nytimes.com/2008/10/01/world/asia/01pstan.html.
 52. Raghavan, T. C. A. (2019), The People Next Door: the Curious History of India’s Relations with Pakistan, London: Hurst and Co.
 53. Rahul Bedi, “India Delivers First Two Mi-24 Attack Helicopters to Afghanistan,” Jane’s Defense Weekly, May 20, 2019, www.janes.com/article/88638/india-delivers-first-two-mi-24-attack-helicopters-to-afghanistan.
 54. Raman, B. (2007), The Kaoboy of R&AW: Down Memory Lane), New Delhi: Lancer Publishers, 2007.
 55. Rashid, Ahmed (2001), Taliban: Militant Islam, Oil, and Fundamentalism in Central Asia, New Haven, CT: Yale University Press.
 56. Ressler, Don (2015), “Situating the Emergence of the Islamic State of Khorasan,” CTC Sentinel 8, no. 3 (March 2015).
 57. Riaz Mohammad Khan (2011), Afghanistan and Pakistan: Conflict, Extremism, and Resistance to Modernity, Washington, DC: Woodrow Wilson Center Press, 2011.



58. Rosenberg, Matthew (2013), "U.S. Disrupts Afghans' Tack on Militants," New York Times, October 28, 2013, www.nytimes.com/2013/10/29/world/asia/us-disrupts-afghans-tack-on-militants.html
59. Rubin, Alissa (2010), "Militant Group Expands Attacks in Afghanistan," New York Times, June 16, 2010, www.nytimes.com/2010/06/16/world/asia/16lashkar.html.
60. Sanaullah Khan, Naveed Siddiqui, and Tahir Sherani (2019), "Pakistan Suspends Trade Ties with India, Asks Indian Envoy to Leave," Dawn, August 7, 2019, www.dawn.com/news/1498609.
61. Shaffer, Ryan (2015), "Unraveling India's Foreign Intelligence: The Origins and Evolution of the Research and Analysis Wing," International Journal of Intelligence & Counterintelligence 28, no. 2 (2015): 252-89. USIP.ORG SPECIAL REPORT 462 21.
62. Shah, Saeed (2019), "Pakistan's New Plight in Kashmir: What to Do about the Jihadists," Wall Street Journal, August 11, 2019, www.wsj.com/articles/pakistans-new-plight-in-kashmir-what-to-do-about-the-jihadists-11565523414.
63. Shah, Saeed, Safdar Dawar, and Adam Entous (2014), "Militants Slip Away before Pakistan's Offensive," Wall Street Journal, July 17, 2014, www.wsj.com/articles/militants-slip-away-before-pakistan-offensive-1405637710.
64. Sherard Cowper-Coles, Cables from Kabul (2011), The inside Story of the West's Afghanistan Campaign, New York: HarperCollins, 2011.
65. Shringla, Harsh Vardhan (2019), Indian ambassador to the United States, conference remarks, The India-Afghanistan Relationship: Examining Historical, Political, Economic, and Cultural Ties, Hudson Institute, Washington, DC, November 21, 2019, <https://s3.amazonaws.com/media.hudson.org/Ambassador%20HV%20Shringla%20India.pdf>.
66. Siddiqi, Ayesha (2019), "Jaish-e-Mohammed: Under the Hood," The Diplomat, March 13, 2019, <https://thediplomat.com/2019/03/jaish-e-mohammed-under-the-hood>.
67. Siddique, Abubakar (2014), The Pashtun Question: The Unresolved Key to the Future of Pakistan and Afghanistan, London: Hurst and Co.
68. SIGAR (Special Inspector General for Afghanistan Reconstruction) (2019), "Quarterly Report to the United States Congress," October 30, 2019, 67, www.sigar.mil/pdf/quarterlyreports/2019-10-30qr.pdf.
69. Slater, Joanna (2019), "In Modi's move on Kashmir, a road map for his 'new India,'" Washington Post, August 15, 2019, www.washingtonpost.com/world/asia_pacific/in-modis-move-on-kashmir-a-road-map-for-his-new-india/2019/08/15/1fff923a-beab-11e9-a8b0-7ed8a0d5dc5d_story.html. 2 2 SPECIAL REPORT 462 USIP.ORG
70. Smith, Josh (2016), "Dam Completion Signifies Growing Indian Influence in Afghanistan," Reuters, June 4, 2016, www.reuters.com/article/us-afghanistan-dam-idUSKCN0YQ0AB.
71. Spokesman of Islamic Emirate (2016), remarks by spokesman of Islamic Emirate concerning



military aid to the Kabul Administration by the Indian Government, Taliban website, September 4, 2016, <http://alemarahenglish.com/?p=3818>.

72. Subramanian, Nirupama (2019), "India, Pakistan, Afghanistan: The New Great Game," Indian Express, August 11, 2109, www.indianexpress.com/article/india/afghanistan-taliban-india-kashmir-us-zalmay-khalilzad-5895132. 2 0 SPECIAL REPORT 462 USIP.ORG
73. Tankel, Stephen (2018), "Beyond the Double Game: Lessons from Pakistan's Approach to Islamist Militancy," Journal of Strategic Studies 41, no. 4 (2018).
74. Tankel, Stephen (2018), "Ten Years after Mumbai, The Group Responsible Is Deadlier Than Ever," War on the Rocks, November 26, 2018, www.warontherocks.com/2018/11/ten-years-after-mumbai-the-group-responsible-is-deadlier-than-ever.
75. Text of Agreement on Strategic Partnership between the Republic of India and the Islamic Republic of Afghanistan, [https://mea.gov.in/bilateraldocuments.htm? DtI/5383/Text+of+Agreement+on+Strategic+Partnership+between+the+Republic+of+India+and+the+Islamic+Republic+of+Afghanistan](https://mea.gov.in/bilateraldocuments.htm?DtI/5383/Text+of+Agreement+on+Strategic+Partnership+between+the+Republic+of+India+and+the+Islamic+Republic+of+Afghanistan).
76. The Guardian (2015), "Afghan Spy Chief Resigns after Rows with President," The Guardian, December 10, 2015, www.theguardian.com/world/2015/dec/10/afghan-spy-chief-resigns-after-rows-with-president.
77. The Guardian (2019), "Russia Hosts Taliban Delegation Following Collapse of US Talks," The Guardian, September 14, 2019, www.theguardian.com/world/2019/sep/15/russia-hosts-taliban-delegation-following-collapse-of-us-talks.
78. The Hindu, "Modi Inaugurates Afghan Parliament Building," December 25, 2015, www.thehindu.com/news/international/modi-inaugurates-afghan-parliament-building/article8028735.ece.
79. Times of India (2019), "Pulwama Terror Attack: India Withdraws Most Favoured Nation Status to Pakistan," Times of India, February 15, 2019, <https://timesofindia.indiatimes.com/india/pulwama-attack-india-withdraws-mnf-status-from-pakistan/articleshow/68004450.cms>.
80. ToloNews (2015), "India's National Security Advisor Criticizes NDS-ISI Agreement," ToloNews, May 24, 2015, www.tolonews.com/afghanistan/indias-national-security-advisor-criticizes-nds-isi-agreement.
81. TOLONews (2017), "Serious Concerns Raised Over Taliban Leader's Visit to Helmand," TOLONews, October 9, 2017, <https://tolonews.com/afghanistan/serious-concerns-raised-over-taliban-leaders-visit-helmand>.

